پرچم
ناشر اندیشه های دموکراتیک خلق افغانستان
شماره (پنجاه ودوم) دو شنبه ۲۶حوت ۱۳۴۷ ـ ۱۷ مارچ ۱۹۶۹

ببرک کارمل

نگاهی به وضع کنونی جهان

-۲-

شکست فا شیزم آلما ن و میلیتاریزم جاپان د ردومین جنگ جهانی شرایط مساعدی برای یکسلسله از ملل کشور های اروپا وآسیا بوجود آورد تابتوانند حکومت‌های سرمایه‌داران و ملاکان را از میان بردارند وراه ساختمان سوسیالیزم راتعقیب کنند وبا هم اردوگاه سوسیالیستی را تشکیل دهند. درین کشور ها شکل جدیدی از سازمان سیاسی جامعه بدید آمد که عبارت است از … زحمتکشان) که خصوصیات مختلف تاریخی و ملی کشورهای مربوط در آن تجلی نموده است.

قوای متحده اردوگاه سوسیالیستی هریك از کشورهای عضو رابه‌نسبت اینکه دارای وحدت منافع وهدفهای مشترك استند، در قبال تجاوزارتجاع امپریالیستی تضمین می نماید و مناسبات اقتصادی و سیاسی تیپ جدیدی بین آنها برقـرار است. همکاری کشورهای مزبور انـواع نظامی، علمی، فنی وفرهنگی را احتوا میکند و برپایهٔ برادری وبرابری سوسیالیستی و احترام متقابل به استقلال و حاکمیت یکدیگر استوار است. کامیابی های بزرگ اتحاد شوروی درتمام شئون زندگی اعم از علمی وفنی واقتصادی وغیره موجب نیرومندی جهان سوسیالیستی و نهضت های انقلابی گردید وامکانات همکاری اقتصادی، تجاری وفرهنگی بیشتری را میان کشور های … میگردد.

دراوضاع واحوال کنونی جهان ارتجاع امپریالیستی نسبت به هروقت دیگر تلاش می‌ورزد که تمام وسایل تأثیر ایدئولوژیك در خلقها را علیه کشورهای پیشرو، مترقی و ملی، علیه نهضت کارگری ورهائی بخش ملی بسیج کند. در آمریکا وآلمان غرب وسایر کشور های سرمایه‌داری و کشورهای وابسته به امپریالیزم با صرف ملیارد ها دلار، …

… به هدفهای ارتجاع و امپریالیزم وفق میکند. و بهمین جهت است که آثارانشعابگرانه‌وپرازاتهام‌ودشنام این گروه منحرف علیه پیشاهنـگ وپاسداران صلح حتی بکمك محافل ارتجاعی و امپریالیستی پخش‌وتکثیر … است. در وضع کنونی جهان در آسیا و افریقا سه گروه اصلی کشور های نو استقلال بمشاهده میرسد (۱) درکشور های که بصورت کلی در جنوب وجنوب شرقی آسیا و

(ص۲)

باعلانات واشتهارات

فریبنده کشور مارا غارت میکنند

درین اواخر به‌تقلید از کشو های پیشرفته سرمایه داری وکشور های کم رشدیکه راه‌رشد سرمایه داری‌را درپیش گرفته‌اند، درافغانستان نیز اشتهارات واعلانات رنگین، پر زرق … یعنی اشتیاق مردم رابرای خریداری یکمقدار اموال واجناس تجملی وبی لزوم بیشتر میسازد.

مقامات حاکمه افغا نستان که خود مشوق بزرگ تجمل پرستی عده‌ای‌از ناز پرورده های‌سرباری جامعه‌بقیمت … فقر و بد بختی هزا ران هزارخانواده جامعهٔ ما میباشند، باتعقیب سیاست تجارتی درهای باز خود، زمینه را برای غارتگری انحصارات امپریالستی و کشور هـای از لحاظ اقتصادی … برای اشتهاروتبلیغ تخصیص‌میدهند وازین ناحیه‌درآمد های بزرگی‌بدست میآورند. اکنون در کشور ما نیز موسسات بزرگ‌تولیدی‌این کشورها با استفاده از سیاست «بیغر ضا نه»

(ص۲)

دنیشنل عوامی گوند

دصدر عبدالولی خان دریځ

اصولی ،وښیار او زړه‌ور دی

سره له دی چه په راولپنډی کی دگردی‌میز مجوزه‌کنفرانس،دپاکستان دجمهور رئیس محمدایوب خان او دفردی حکومت د مخالفو قوتونـو ترمینځ شروع شویدی مگر اوضاع‌په ټول‌پاکستان کی‌لکه پخوا‌متشنجه‌ده‌او اویوه موټرته اور واچاوه.

دپاکستان حکومت مجبور شو چه دښوونکو له غوښتنو سره موافقه وکړی. دکراچی دبندر دکار گرانـو اعتصاب لادوام لری. دپښتونستان، سند اوبلوچستان د خلکو مظاهری …

… بلوچستان او دپاکستان دخلکو ملی آزادی بخشونکی نهضت یو داسی سترگام دی‌چـه خامخا به بری تـه ورسیږی.

د نیشنل عـوا مـی گـوند مشر عبدالولی خان دگردی میز دکنفرانس په غونډه‌کی دیو یونټ لـری کول، دخود مختارو ولایتونـو تشکیل او …

دبښځو دموکراتیك سازمان دمارچ‌داتمی د (۱۳۴۷ کال دحوت د ۱۷)نیټی په کنفرانس‌کی، چه دهغه خبر دپرچم په تیره گـڼه‌کی خپور شو،وروسته له شور اوبحث نه دسازمان‌دفعالیتونو دپروگرام طرح د رأیـو په اتفاق تصویب کړه، چه دلته یی‌متن (پښتو اودری) وړاندی کیږی.

پښتو متن

دافغانستان دښځو دموکراتیک

سازمان دفعالیتونو دپروگرام طرح

د افغانستان دښځو د دموکراتیک‌سازمان دمارچ داتمی د (۱۳۴۷ کال دحوت د۱۷) نیټی کنفرانس اعلام‌کوی:

ددی له‌کبله چه ښځه‌په‌اجتماعی‌ژوندکی درنه برخه لری؛

ددی له کبله چه ښځه دماشومانوپه نیکمرغی کـی په نه ستومانـه … فعالیت کوی؛

متن دری

طرح پروگرام فعالیتهای سازمان

دموکراتیك زنان افغانستان

کنفرا نس تـاریخی هشتم مارچ(۱۷ حوت۱۳۴۷) سازمان دموکراتیك زنان افغانستان اعلام میدارد:

از آنجائیکه زن درزندگی‌اجتماعی‌نقش ارزنده ایرا ایفاء میکند؛

ازآنجـائیکه زن در راه سعادت‌کودکان بطور خستگی ناپذیر فعالیت مینماید؛

…

پرچم
دامتیاز خاوند اومسؤول مدیر:سلیمان لایق
آدرس:محمدجانخان واټ.زرلښت‌مارکیت . کابل ـ افغانستان
تیلفون :۲۳۱۶٤
دیوی گڼی بیه : ۲ر۵۰ ـ افغانی
مطبعه دولتی

اعتصاب و تظاهرات

شاگردان لیسه اندخوی

اهالی شهر و دهات اندخوی از مطالبات قانونی

شاگردان پشتیبانی بعمل آوردنـد

شاگردان لیسهٔ اندخوی از تاریخ ۲۷ دلو تا ۵ حوت به عنوان اعتراض علیه مدیر لیسه بمظاهره واعتصاب پرداختند.

رویهٔ خشن وحرکات قانون‌شکنانهٔ مدیر لیسه عاملی بود که موج این جنبش رابر انگیخت.

… خویش به ولسوالی تقدیم کردند. چون برخورد ولسوالی سردتر از وضع مدیر لیسه‌بود، لهذاشاگردان دست به اعتصاب زدند و تاتاریـخ (۵ حوت) به اعتصاب ادامه دادند.

هیأتی از ولایت فاریاب آمـده مذبوحانه تلاش کرد تا با تهدید و تخویف در صفوف شاگردان رخنه …

… صفوف تظاهر کنندگان که‌بوسیله صدها تن از پدران و وابستگـان شاگردان همراهی و تائید میشد، بسوی ولسوالی اندخوی رو آورده، یادداشتی مبنی بر خواستهای‌قانونی …

۳ ـ چراشاگردان ، خود سرانه برای مدتی ازمکتب طرد میشوند؛ ونمرات‌تهذیب‌متعلمین‌تنقیص‌میگردد؟

٤ ـ چرا معاشات شاگـردان دارالمعلمین در طول شش ماه‌گذشته اجرا نشده؟

۵ ـ چرا مدیر لیسه اندخوی‌که به نفاق افگنی و توطئه میپردازد، ازکارکناره نمیشود؟

٦ ـ چرا شاگردان لیسه بخاطر ابراز مطالبات قانونی شان پنج ـ پنج روز خلاف قانون غیرحاضـر گردیده‌اند؟

یکی ازدوستان محترم پرچم‌شعری‌را همراه بانامه‌دوستانه ئی‌ازخارج کشور بما فرستاده وخواهش نشرآنرا نموده اند. مابا ابـراز امتنا ن از حسن‌علاقه‌این دوست‌ارجمند،شعرشانرا درینجا به‌نشر می‌سپاریم.

آتـــشــــم

آتشم از پای تاسر،
شعله خیزد ازدلم
آتشم دامن مزن.
الحذر از این لهیب پر فـراز وپرنشیب :
گلشنم
باد برخرمن مزن.

* * *

شعله ام جانسوز ولیکن آتشش‌را رنگ نیست.
نالهٔ من بیصدا،
کـاروان دل تپشها دارد ، امـاناقه اش را رنگ نیست.

* * *

…

پاریس یونس سرخابی

نسوار فروشان...

…

حقوق کارگران فابریکه جنگلک

پامال می شود

خبر نگار پرچم اطلاع میدهد: طوریکه خوانندگان محترم این جریده اطلاع دارند، کارگران شریف و زحمتکش جنگلك درماههای ثور و جوزای سال جاری، بنا به برخورد غیر قانـونی و نا درست کار فرمایان جنگلك در بـرابر خواستهای صنفی و قانونی خویش دست به اعتصاب زدند، اما علاوه براینکه این حرکت قانونی کارگران بیرحمانه سر کوب شد و به حبس وزندانی شدن عده‌ئی از کارگران انجامید، چنانکه پرچم بارهادردفاع از کارگران جنگلك صدای اعتراض خود را بلند کرد، مقامات مسؤول جنگلك بعد از ختم اعتصابات معاش (۱۵) روز ایـام اعتصاب را بکارگران نپرداختند و طوریکه در شماره (۲۰) پـرچم انتشار یافت، خلاف قانون … کارگران … ازین استحقاق قانونی نیز محروم ساختند.

این وضع غیر عادلانه و خلاف قانون کار فرمایان جنگلك‌وپا مال شدن ظالمانه حقوق کارگران، شدیداً نفرت وانزجار ایشانرا …

(دلومړی مخ)

د نیشنل عوامی گوند...

…

وزیر خارجه الجزایر در اتحادشوروی

پس از بازدید پنـج روزهٔ‌وزیر خارجهٔ الجزایر از اتحادشوروی اعلامیه‌ئی منتشر گردیده که در آن گفته شده :

ـــ باید اراضی اعراب که توسط‌نیروهای متجاوز اسرائیل اشغال شده است، تخلیه گردد.

ـــ به خلق ویتنام موقع داده‌شودتاسرنوشت خودرا تعیین نمایند،

ـــ باید علیه استعمار نوین درآسیا، افریقا و امریکای لاتین‌مبارزه صورت گیرد،

ـــ خلع سلاح عام وتـام صورت‌گیرد،

ـــ الجزایر از ابتکار شوروی دربارهٔ خلع سلاح ستایش مینماید،

ـــ اتحاد شوروی و الجزایـــر فیصله نمودند تایك کمیسون‌مشترك همکاری دائمی بوجود آورند.

بزرگترین اعتصاب کارگری در فرانسه

بعد از اعتصابات سال گذشته‌درکشور فرانسه ، اینك مردم جهان شاهد بزرگترین اعتصاب کارگری‌در فرانسه بودند. اعتصاب روز دوشنبه ۱۱ مارچ به ابتکارفدراسیون‌عمومی کار ـ فدراسیون دموکراتیك کار واتحادیهٔ معلمین‌وغیره، صورت‌گرفت. درین‌اعتصاب ۹ ملیون‌انسان زحمتکش و فعال شرکت داشتند.

عمده‌ترین علت این اعتصا بات‌درکشور های سرمایه داری اروپـای غربی تضاد بین کار و سرمایه‌است‌وکارگران این کشور ها تحت ستم … سرمایه قرار دارند، کارگران دایماً جهت ازدیاد دستمزد، بهبود شرایط … کشورهاست. … گفت: «تنهـا … میسازد».

پرچم
دافغانستان دخلك دموکراتیك افکارو خپروونکی
۲۶ حوت ۱۳۴۷

رویدادهای مهم

جهان در هفته گذشته

مسؤول جنگ در شرق میانه

اسرائیل وحامیان امپریالستی آن است

قوماندانی اعلی قوای مسلـح‌جمهوریت عربی متحد اعلام داشت که د رهفتهٔ گذشته تجاوز کـاران‌اسرائیل توسط قوای توپچی، زره‌دار و تانك ساحل غربی کانال سویزرا در مناطق القنطره، اسماعیلیه و سویزتحت آتش قرارداد وجمهوریت‌عربی متحد بپاسخ این آتشبـاری پرداخت، بطوریکه درجنگ سرتاسری کانال سویز اسرائیل تلفات سنگینی … چنانچه جراید اسرائیلی نیز تلفات اسرائیـل را …

…

نازیزم برای ابد محکوم تاریخ‌است

…

مارش ضد اتومی

…

مردم ترکیه علیه اشتراك آنکشور درپیمان ناتو

اعتراض میکنند

…

-۳-

سیاست مترقی بمثابه علم وهنر

ستراتیژی و تاکتیک سیاسی

هنر رهبری سیاسی :

سیاست علم است زیرا به تحلیل علمی واقعیت و آرایش نیروهای طبقاتی درموضع مشخص اتکا دارد. معهذا نه تنها اتخاذ پالیسی درستی دارای اهمیت شایان می باشد، بلکه تطبیق مؤفقانهٔ آن نیز مهم است. برای انجام این امر مهارت کامل در رهبری سیاسی ضرورت است، چه بدون چنین مهارتی، حتی صحیح‌ترین پالیسی بمثابه یک اعلامیه میان خالی باقی خواهد ماند. به این دلیل سیاست هنر هم است.

هنر اجرای پالیسی، پیوسته در جریان مبارزهٔ طبقاتی آموخته میشود، زیرا بدون گذشتن ازین مکتب عملی مبارزه، با تضادها و مشکلات آن، بدون احساس تلخی‌های عقب نشینی و شکست وشیرینی‌های کامیابی وپیروزی نا ممکن است که هنر رهبری ستراتژیک و تاکتیکی را آموخت. اما این امر به هیچوجه بمعنی اتکا محض بر تجارب خود نمیباشد.

برای آموختن هنر رهبری سیاسی لازم است که تجارب احزاب دیگر و کلیهٔ جنبش جهانی مترقی وکارگری رامطالعه کرد. اگر چنین مطالعه صحیحاً صورت گیرد و بدرستی بکار برده شود پروسه آموزش هنر رهبری تسریع گردیده واز یکتعداد اشتباهات، نواقص و ناکامی ها جلوگیری میشود.

هنر سیاسی شامل توانائی کار درمیان توده ها، انتخاب اشکال مبارزه وزمان بکار بردن آنها در اوضاع مشخص، پیشروی درشرایط مساعد و عقب نشینی صحیح و تاکتیکی در هنگام ضرورت، انتخاب وظیفه عمده از میان وظائف فراوان وتمرکز توجه حزبی در خصوص آن و غیره میباشد.

مطلب را بسط دهیم : فقط احزاب و رهبرانیکه زندگی خود را وقف منافع خلق کارگر ساخته، و با آن پیوستگی کامل داشته باشند، میتوانند امر بزرگ مبارزهٔ انقلابی‌را بطور مؤفقانه انجام دهند. تبلیغ وتهییج به تنهائی بغرض جلب توده‌ها در امر مبارزه کافی نیست، معهذا هنر رهبری سیاسی شامل بکاربستن وسایل ومتودهائی است‌که از تجربهٔ کار در میان توده ها بدست میآید. حزب بطور غیر فعال انتظارنمی‌کشد که توده ها بخودی خود واقعیت را درک نمایند، بلکه درین امر با آنها کمک میشود تا در موضع مبارزه قاطع قرار گیرند.

رهبری سیاسی باید قادر باشد که اشکال مناسب مبارزه را برای یک وضع معین بدرستی انتخاب کرده برای تغییر سریع و غیر مترقبه یک شکل آن بشکل دیگر آماده باشد. اگر یک حزب قادر به انتخاب صحیح اشکال مبارزه بوده و مشی سیاسی درستی را بر حسب شرایط موجود اتخاذ کند، در تحت شرایط دشوار وبغرنج مؤفق خواهدشد که نیرومندانه عمل نماید و به نتایج مشخص برسد.

یک حزب طراز نوین هرگز زمان‌را بیهوده‌از دست نمیدهد و انتظار نمیکشد که «لحظهٔ بزرگ» فرا رسد، بلکه از هر فرصت برای احیاوتقویت شور وشوق مبارزه انقلابی خلق کارگر وتضعیف مقاومت دشمنان آن استفاده میکند، امکانات کارفعالانه را درمیان توده ها جستجو مینماید، مواضع خود را استحکام می بخشد، زمان نبرد قاطع را نزدیکتر میسازد ونه تنهاخود، بلکه بخش وسیع‌ممکنه خلق کارگر را برای چنین فرصتها تجهیز میکند.

هنر عالی رهبری سیاسی در اینست که حتی در جریان شکست‌های مؤقتی مبارزه انقلابی، جهات واشکال مبارزه را میتوان دریافت کرد که این امر اساسی برای پیروزی های آینده و نزدیک ساختن این پیروزی ها شمرده میشود. معهذا باید دانست تا وقتیکه هردو شکل: پیشروی و عقب نشینی صحیح در مبارزه آموخته نشود، پیروزی ناممکن است.

رهبری سیاسی عاقلانه وهنرمندانه ایجاب مینماید، مسایل عمده که برای حل آنها لازم است‌مجاهدات خاصی صورت گیرد، باید از مسایل عمومی‌مبارزه تشخیص و مجزا شود. مسایل سیاسی دارای ارتباط متقابله بوده‌و همیشه در هم پیچیده اند که میتوان آنها را به زنجیر مقایسه کرد، باازین فرق که توالی حلقات، اشکال و پیوندهای آنها نه بسادگی یک زنجیر است که توسط آهنگری ساخته میشود. علاوتاً دریک زنجیر عادی تمام حلقه ها یکسان می‌باشند، درحالیکه در حیات سیاسی مسایل اساسی و مسایل درجه دوم وجود دارد. رهبری سیاسی هنر مندانه ایجاب مینماید «در هر لحظه معین بایدقادر بودکه حلقهٔ خاص زنجیر را بدست آورد، با تمام قدرت بآن چنگ زد و محکم نگهداشت و برای انتقال به حلقهٔ دیگر کاملا آماده‌بود». تحلیل واقعیت بر مبنای اصول جهانبینی‌علمی‌وروابط نزدیک‌باتوده‌ها حزب‌را قادر میسازد که بر طبق شرایط خاص کشور، مسأله عمده‌ئی‌را که‌حل‌آن طبقه کارگر را به‌پیروزی نهائی نزدیکتر میسازد، تشخیص‌دهد ومجزا گرداند.

رهبری سیاسی درتحت شرایط سرمایه داری باید درنظر گیرد که نخست هدف عمده طبقه کارگر در مرحلهٔ معین بدرستی تعیین ودشمن عمده طبقاتی (که‌لازم است علیه آن در مرحله معین نفرت طبقاتی‌ونیروی ضربتی تمام خلق کارگر بمنظور غلبه بر مقاومت دشمن، متمرکز شود) تشخیص گردد و ثانیاً لازم است که طرز برخورد رهبری سیاسی با سایر بخش‌های‌متوسط جامعه صحیحاً تعیین گردد، زیرا که عناصر و نیروهای مربوط به این بخش باوصف مخالفت با دشمن عمده، اما بنابر دوگانه بودن منافع طبقاتی‌شان، عدم ثبات خطرناک سیاسی و تمایل به سازش وآشتی‌را ازخود بروز میدهند و در بعض مواقع با دشمن عمده پیمان می بندند. مثلاً حداقل دشمن را کمک نمیکنند.

هدف‌عمدهٔ جنبش در اولین مرحله انقلاب ۱۹۱۷ برای برانداختن‌قدرت مطلقه عبارت بود از انجام این دو وظیفه توسط طبقه کارگر: «سقوط اتوکراسی (دشمن عمده) و فلج بورژوازی که از خود ناستواری نشان میداد». درحالیکه درجریان دومین مرحلهٔ انقلاب برای‌برانداختن قدرت بورژوازی این دو وظیفه دربرابر طبقه کارگر قرار داده شده بود: «سقوط بورژوازی (دشمن‌عمده) وفلج خرده بورژوازی که از خود ناستواری نشان میداد». بنابران در امر تعیین ارتباط با اقشار و نیروهای متوسط (بین البین) باید درنظرگرفت که اینها از لحاظ عدم استواری خود، فلج گردند، یعنی اطمینان حاصل شود که ایشان

این نظر که اقشار و نیروهای متوسط بخصوص احزاب خرده بورژوازی باید هدف «ضربه عمده» قرار گیرند، اشتباه آمیز میباشد. زیرا چنین عملی نه تنها بمعنی دور کردن عناصر متزلزل از سرراه انقلاب نیست، بلکه سوق آنها بطور ارادی در اردوی دشمن میباشد.

یکی از مسایل عمده ستراتژی وتاکتیک در تحت شرایط سرمایه‌داری اینست که اتحاد طبقه کارگر باتوده های کارگری غیر پرولتری، عمدتاً با دهقانان تأمین و تحکیم یابد. گرچه کارگران و دهقانان درموقف، مقاصد ووظایف خود نقاط مشترک فراوان دارند، ولی این اتحاد به خودی خود صورت نمیگیرد. بلکه توسط احزاب کارگری و مترقی در جریان‌مبارزه علیه‌سرمایه‌داری، ایجاد میگردد.

اتحاد طبقه کارگر با دهقانان و توده های غیر پرولتری، نیروی اجتماعی وسیاسی انقلاب را تشکیل میدهد و بدینجهت تأمین و تحکیم این اتحاد یکی از اهداف عمدهٔ احزاب طرازنوین طبقه کارگر می باشد. البته برای انجام این امر لازم‌است درمیان توده ها و با توده ها کارکرد.

پرنسیپ های عمده رهبری‌توده‌ها عبارت از اصول فورمولبندی شدهٔ زیرین میباشد :

«ارتباط باتوده ها.
زندگی درمیان توده ها.
آشنائی به روحیهٔ آنها.
درک توده ها.
دانستن طرق نزدیکی به آنها.
بدست آوردن اعتماد مطلق توده ها.

رهبران نباید خود را از توده ها که آنها را رهبری میکنند، تجرید نمایند. پیشآهنگ نباید خود را از اردوی کار تجرید کند».

(پایان این قسمت)

از (ص اول)

نگاهی به‌وضع کنونی...

شرق‌میانه وقسمت غربی‌شمال‌افریقا قرار دارند «بورژوازی ملی» منحیث طبقهٔ عمده در اتحاد با نیمهٔ فئودالها وملاکین بورژوا قسماً موضع گیری ضد استعماری دارند و جهت‌سرمایه داری گرفته‌اند. (۲) تعداد زیادی ازکشور های افریقایی اندکه غالباً تاکنون استقلال دولتی آنها بیشتر جنبهٔ صوری دارد. (۳) گروه‌کشورهائی استند که در راه رشد غیر سرمایه داری روانند. دراین‌کشورها دموکراتهای ملی انقلابی قدرت‌را دردست دارند و مبارزه ضد امپریالیستی را تعقیب می‌نمایند. کشورهائی از قبیل جمهوری متحدهٔ عرب، سوریه، الجزایر، برما، مالی، گینی، کانگوی برازاویل‌در این گروه شامل اند.

باید خاطرنشان ساخت که اکثر کشور های شامل گروههای مزبور کماکان با اقتصاد جهان سرمایه‌داری پیوند نزدیک دارند و هنوز مشکلات فراوانی در سرراه این کشور ها بغرض تحصیل استقلال اقتصادی، ایجاد اقتصاد ملی و ساختمان جامعه نوین موجود است.

تجربه‌نشان میدهد که سرمایه‌داری نمیتواند ترقی وپیشرفت‌سریع اقتصادیات هفتاد فیصد جمعیت‌جهان راکه‌درقسمت اعظم کشورهای‌درحال رشد ونو استقلال زندگی میکنند تامین کند، فقر را از میان بردارد وبه عقب ماندگی قرون متمادی این کشورها خاتمه دهد. عواید ملی‌این کشورها به تناسب عواید ملی‌کشورهای رشد یافته سرمایه داری بسیار بسیار قلیل‌است. به‌همین جهت درکشورهای کم رشد آسیا، افریقا وامریکای لاتین سهم منابع خارجی نسبت به سرمایه گذاریها هر ساله بالامیرود و وابستگی آنها بصورت روزافزون به سرمایه مالی بین‌المللی افزایش می‌یابد. برای اینکه کشورهای درحال رشد ونو استقلال ازراه سرمایه داری به سطح موجود عواید فی‌نفر، حاصلدهی کار، علم و فن کشورهای سرمایه داری غرب‌برسند، حداقل ۸۰ الی ۱۰۰ سال لازم‌است که طبعاً این آهنگ رشد، کشورهای مزبور رابه محرومیتهای بزرگ وجدیدی محکوم میسازد.

بطور مثال ذکر میگردد که میزان مطلق عواید فی نفر در کشور های رشدیافته بطور متوسط ۶۰ دولار در سال افزایش میبابد، ولی درکشور های عقب‌مانده حتی به ۲ دولار هم نمیرسد.

موجزاینکه تاموقعیکه این‌کشورها ازقید وابستگی اقتصادی‌به‌امپریالیزم آزادنشوند، همچنان‌آماجگاه‌استثمار غولهای انحصارات‌سرمایه داری‌باقی خواهند ماند.

انحصارات امپریالیستی باحفظ و دست داشتن مواضع کلیدی‌اقتصادی وباتوسل به شیوه های استعمار نو باستثمار استعماری ملل ادامه میدهد.

امپریالیزم بااستفاده از تمام وسایل (راه انداختن کودتاها زیر عنوان کاذب دفاع از جهان آزاد و مبارزه باکمونزم، بلوکهای نظامی، توطئه ها، فعالیت های تخریبی، تحریک جنگهای محلی استعماری و غیره) میکوشد کشور های آزادشده رازحت سلطهٔ خویش همچنان حفظ کند و استقلال این کشور هارا به استقلال ظاهری تبدیل نماید.

هدف ستراتژیک صدور سرمایه کشورهای امپریالیستی بکشور های کم‌رشد آسیا، افریقا وامریکای‌لاتین زیرعنوان کمک‌های اقتصادی ونظامی درحقیقت غارت این کشور ها وحفظ این کشورها در قلمرو نظام جهانی سرمایه داری و جلو گیری ازتعقیب راه رشد غیر سرمایه داری است.

باوجود اختلافاتی که در کشور های کمرشد بین نیروهای ترقیخواه ووطنپرست ودموکراتهای ملی‌موجود است از لحاظ تاریخی در مقابل‌آنها امپریالیزم بحیث دشمن مشترک‌مهم وسرمایه دارای ازنظر دورنمای‌تکامل آینده بمثابه دشمن مشترک مهمتری قرار دارد.

در کنفرانسهای سازمان ملل‌متحد درباره تجارت و پیشرفت بصورت کلی، چه در کنفرانس ژنو ۱۹۴۶ وچه در کنفرانس دهلی ۱۹۶۸ مسأله استثمار کشور های کم‌رشد از طرف دول امپریالیستی بررسی گردید ونشان داده شدکه تازمانیکه قوانین جبری بازار جهانی سرمایه داری به قوت خود باقیست، این استثمار تشدید خواهد گردید.

تقلیل آهنگ‌رشد اقتصادی، تنزیل وعقب ماندگی صادرات، کاهش‌نسبی صادرات خواربار وموادخام، دشواری وضع مسأله افزایش سرسام‌آور قرضه های خارجی ودشواری‌پرداخت اصل وفرع قرضها، رکود در تولید محصولات غذائی بتناسب افزایش سریع جمعیت وغیره وغیره همه مسائلی اندکه روز بروز کشور های کمرشد «جهان سوم» را به جهت عقب ماندگی، فقر واستثمار کشنده میکشاند و شگاف بین این کشورها وکشورهای پیشرفته سرمایه داری‌را عمیق وعمیقتر میسازد. کشور های امپریالیستی امریکا، انگلستان وآلمان غربی باوجود این وضع اضطراب‌آور واسف‌انگیز کشور های کم رشد نه تنها هیچیک از وعده هائی‌راکه درسند کنفرانس ژنو داده بودند انجام ندادند، بلکه حتی سعی کردند که کنفرانس دهلی نیز به نتیجه‌ئی نرسد.

در کنفرانس دهلی تفاوت میان موضعگیری جهان سوسیالیستی و جهان امپریالیستی بخوبی روشن گردید. کشور های سوسیالیستی درپهلوی انتقادات‌وطرح پیشنهادهای عملی، ازتمایلات ومبارزه کشور های کم رشد علیه استثمار انحصارات امپریالیستی مجدانه پشتیبانی‌کردند که درقطعنامه ۲۶ ماه مارچ کنفرانس دهلی نیز انعکاس یافته است.

یادآوری از کنفرانس دهلی‌صرف بحیث یک مثال در ساحه تجارت و پیشرفت بود و صدها مثال اسارت‌آور سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، مالی، ایدئولوژیک‌دیگری ناشی از روش غارتگرانه امپریالیزم علیه کشور های آسیا، افریقا وامریکای لاتین وجود دارد که از حوصله این گزارش مختصر خارج است.

دروضع کنونی جهان، آن گروه از کشور های نو استقلال ودر حال رشد که زنجیر امپریالیزم را پاره کرده اند ودولت های ملی ومترقی خود را تشکیل داده اند همیشه در خطر تعرض، تجاوز، تفتین ودسیسه نیروهای امپریالیستی و بخصوص امپریالیزم امریکا قرار دارند. تجاوز اسرائیل به کشور های عربی زنده ترین مثال‌تحریکات امپریالیستی درشرق میانه است.

دراین اواخر اوضاع خیلی وخیم شرق میانه صلح جهان‌را موردتهدید قرار داده است. اشغال‌مناطق وسیع عربها از طرف اسرائیل، مسأله صدها هزار عرب آواره، مسدودشدن کانال سویزوواردشدن خسارات‌عظیم درکشتی رانی بین المللی همه وهمه نه تنها اوضاع را درشرق‌میانه، بلکه بصورت عموم در عرصه بین المللی مختل ساخته است. اسرائیل هرروز به پشتیبانی وتحریک محافل معین امپریالیستی امریکا، آلمان غرب وانگلستان تمام مقررات بین‌المللی‌را نقض میکند، به افکار عامه جهان اعتنائی ندارد واز تعمیل فیصله نامه ۲۲ نوامبر ۱۹۶۷ شورای امنیت که کلید حل صلح آمیز مسأله‌شرق‌میانه است، سرکشی می‌نماید. شرق‌میانه از لحاظ ذخایر منابع نفتی وموقعیت سوق الجیشی برای امپریالیزم‌امریکا مقام حیاتی را حایز است وطبعاًوجود دولت های ملی ومترقی درشرق‌میانه بزرگترین مانع برای تحقق نقشه‌های تسلط استعماری و استثماری آن بشمار میرود که بنابر اراده (!) امپریالیزم باید به هر قیمتی میشود این دولتها از میان برداشته شوند وبه دولتهای دست نشاندهٔ شان تعویض‌گردند. ولی‌محافل‌امپریالیستی امریکا ودستیاران شان‌همه دراشتباه عظیم اند، وامپریالیزم و اشغالگران اسرائیلی آن بصورت قطع درعرصه این نبرد مثل دیگر عرصه ها محکوم بشکست اند. زیرا خلقهای عرب بیدار شده اند وسرسختانه مقاومت میکنند واز کمک های مادی ومعنوی کشور های صلحدوست‌وتمام‌بشریت مترقی برخور دارند.

خلاصه، درنتیجه اینکه :

وضع کنونی جهان درسالهای‌اخیر مبین این حقیقت است‌که:

ـ هارشدن امپریالیزم وبرخی ناکامیها وشکستهای مؤقتی نیروهای انقلابی بهیچ صورت مظهر افزایش قدرت امپریالیزم در عرصه جهانی بشمار نمی‌رود، بلکه مظهر مشکلات وبحرانیست که امپریالیزم بآن‌مواجه است. امپریالیزم امریکا بمثابه تکیه گاه عمده ارتجاع و بزرگترین استثمارگر بین‌المللی قدم بقدم‌قدرت رهبری جهان سرمایه‌داری‌را ازدست میدهد ودر داخل با نارضایتی مردم صلحدوست امریکا، عصیان سیاهان و عواقب وخیم ناشی از جنگ تجاوز کارانه درویتنام قهرمان، سخت درگیر افتاده است.

ـ نیروهای ترقیخواه کشور های کم‌رشد هر روز درک میکنند که‌بخاطر نجات خلق کشور خویش‌باید مبارزه رهائی‌بخش ملی‌را درعرصه اجتماعی انتقال دهند. بسیاری از نیروهای دموکرات ملی انقلابی این کشور ها شروع به فهم این نکته می‌نمایندکه در راه نجات کشور های شان بهنگام انتخاب راه سوسیالیستی، ازگنجینه سوسیالیزم علمی وتجارب تاریخی‌آن استفاده کنند.

ـ بحران امپریالیزم در شرایطی صورت میگیردکه سوسیالیزم‌جهانی، جنبش های مترقی وکارگری دراروپا (فرانسه و ایتالیا) و جنبش های آزادیبخش ملی در کشور های‌آسیا، افریقا و امریکای لاتین هر روز به پیروزیهای جدیدی نایل می‌آیند وهرسه جریان‌عظیم بحیث‌اجزای‌عمده جریان انقلابی‌جهان‌به سیل‌خروشانی علیه ارتجاع‌وامپریالیزم تبدیل‌میگردد وبخاطر صلح، آزادی، استقلال، دموکراسی، ترقی و سوسیالیزم به پیش میروند و مشترکاً نیروئی شکست ناپذیر را تشکیل میدهند ودرآخرین تحلیل ارتجاع وامپریالیزم را بگور میسپارند و جهان رشد وتکامل میبابد.

از (ص اول)

با اعلانات واشتهارات...

و «آزاد» حکومت در امور اقتصادی باهمکاری تاجران بزرگ کمپرادور طوری شتابزده وسریع در کاراشغال بازار های‌کشوروتحمیق مردم‌مشغول اند که نظیرآنرادر جاهای دیگرکمتر میتوان دید. اینها بااین پنداراحمقانه که «عقل مردم در چشم وگوش شان است» وتلقین پذیر اند، برای‌اجناس بد کیفیت خودتبلیغات‌وسیعی رابراه انداخته وآنها را باصدها خصوصیت وممیزه دروغین معرفی‌میکنندکه گویا واقعاً اجناس‌معرفی‌شده‌دارای‌بهترین صفات وبه منفعت مردم میباشد.

درین شک نیست که تلقینات گوناگون ازطریق‌اشتهارات‌رنگارنگ وفریبنده بر اذهان مردم تأثیر دارد وبهمین جهت‌انحصارات بزرگ‌مبالغ بزرگی را برای اینمنظور تخصیص میدهند وطوری وسیعاً دست به اشتهار وتبلیغ میزنند که‌مردم بدون ارادهٔ قبلی، بی‌اختیار به خرید اقدام نمایند.

اینکه ازطرف سرمایه داران و حامیان آنها ادعامیگرددکه اشتهارات جهت تنویر اذهان مردم، راهنمائی ایشان ونشان دادن امتیازات اجناس کمک میکند، خود دروغ بزرگی بیش نیست، اما اعلانات تا حدودی‌میتواند مجاز وحتی بالنسبه مفید باشد که شکل عوامفریبانه نداشته‌و صرف مشخصات تخنیکی‌اجناس وبخصوص تولیدات داخلی رامعرفی نماید.

آواز یکنواخت و گوش خراش اعلانات واشتهارات رادیو افغانستان در مورد اموال کشورهای بیگانه و بخصوص اموال انگلیسی، جاپانی، آلمانی، ایرانی‌وپاکستانی که صبح، چاشت وشب پخش میگردد، اکنون شکل زجردهنده‌وتهوع‌آوری رابخود گرفته است. آیا شرم آور نیست که دستگاه حاکمهٔ افغانستان با تمام ادعاهای که در نظربرای تقویه صنایع داخلی ابراز میدارد، خود چنین‌وسیله تبلیغ برای فروش اموال کشور های امپریالیستی وکشور های کم رشد وابسته بان گردد؟

یکمقدار پولیکه در برابر تبلیغات واشتهارات از طرف نمایندگی های کمپانیهای انحصاری‌تولیدی پرداخته میشود، نبایدکشندهٔ هر نوع‌احساس مسئولیت دربرابر مردم و موجب فریب ایشان گردد. باید دانست مصارفی که برای تبلیغ واشتهار اموال کشور های سرمایه داری و وابسته صورت میگیرد، در واقع آنرا مردم ـ مصرف کنندگان میپردازند نه‌مرجع تبلیغ کننده‌ویاتولیدکننده، زیرا این مصارف بالای قیمت فروش اضافه میگردد. علاوتاً اجناسیکه از کشور های سرمایه داری ووابسته وارد ودر کشور ما بفروش میرسد، مصارف اشتهارات در کشور تولید کننده وکشور های دیگر نیز شامل قیمت آن است که قسمتی از ین مصارف بطورغیرمستقیم ونا آگاهانه از طرف مردم ما پرداخته میشود، چه اکنون انحصارات‌بزرگ‌امپریالیستی بغرض خارج ساختن رقبای‌کوچکتر از میدان رقابت‌وبلعیدن آنها، تشویق مردم برای خریداری وتحمیق آنها، پول های گزافی رادر امور تبلیغات واشتهارات بمصرف میرسانندکه در بعضی موارد مصارف اشتهار بیشتر از نصف مصارف مجموعی تولید را احتوا مینماید.

بااینوضع، میتوان گفت تبلیغات واشتهاراتیکه اکنون برای فروش اموال کشورهای سرمایه داری در افغانستان صورت میگیرد، بهیچوجه به نفع مردم ما نیست وباید که این عرصهٔ فعالیت محدود گردد.

(س.ک)

پنځوس زره ټنه چغندر

په بغلان او غوري کې ورستېدو ته نیږدې شویدی

په بغلان کې نیږدې دپنځو زرو بزگرانو ژوند ډېر افسوسناك حالت غوره کړیدی. دې بزگرانو له اته ویشتو کلو را پدېخوا د بغلان دقند فابریکې ته چغندر (لبلبو) کرلی دی. که څه هم دبغلان او غوري بزگران دچغندر وپه (اجباری کرلو) کې زیات مشکلات گالی خو بیا یې هم داکار تراوسه پوري دخپلو اوخپلومیرمنو اوماشومانو دمړو اومنگو لوپه زوره برمخبیولی دی. خوسږکال دچغندرد بزگرانو لپاره، په‌بی‌ساري توگه لغمو نو، مصیبت او نوري نه ډك کال و. دفابریکې دناعاقبت اندیشو متصدیانو دبدو اجرآتو په نتیجه کې نیږدې پنځوس زره ټنه چغندر همدا اوس اوس په کروندو کې د خو ساکیدو مرحلې ته نیږدې شویدی اودقند فابریکه یې دبزگرانو څخه نه راوړي او دی کار دبزگرانو دتیر کال خواري په‌سیند لاهو کړه.

تراوسه پوري یوازي دیرش‌زره ټنه چغندر په‌فابریکه کې استهلاك شویدي او فابریکه دچغندر دنه را رسیدوله کبله یوازي‌په‌او بو چکروهي اوویل کیږي چه‌دکار کړو دمعاش‌او دبریښنا او ماشین داستهلاك نه‌پرته یوازي دڅوبرو سکاره دوږخی دسلو زرو افغانیو به فابریکه کې سوځي. دفابریکې دآمرانو دی فروگذاشت د بوري دناقابل برداشت‌تاوان نه‌پرته، بزگرانو ته هم نه زغمیدونکی صدمه رسولی ده. بزگران معمولا دحوت په آخر و ور خو کې دچغندر کروند کړی اړوی او غنم یې کری خو اوس چه چغندر لا په پټيوکې ولاړ دی نو بزگرو نه یې دا امکان سلب کړیدی چه په‌دې ځمکو کی غنم‌وکري ځکه هغوی داچغندردقضانه کیدونکی کښت په‌حیث کرلی‌دی‌او دهغوی‌په‌روزنه اوخویشاوه‌کې یې د زراعت‌دماموراتو فشارونه اوسزا وی گالی دي او هیڅ فکر نه کوي چه دقند فابریکه به‌یې له هغوی نه وانخلی.

فابریکی ته دچغندرودنه‌وارسیدو علتونه‌دادی: په‌تیرو کلوکې‌یې دعقرب په‌میاشت اوید قوس په‌لومړیوورځو کې دچغندرو دراټولیدو کار شروع کیده او پخو، تردی چه‌فابریکه چالانه شی دهغې ذخیری به په چغندرو ډکې وی او دادی نیاره چه فابریکه په نامساعدو جوي حالاتو کې‌بیمورده پرچاوه نشي. مگر سږ کال د چغندرو دټولیدلو کار په جدی کې شروع شو او له بلې خوا د هغو موټرو اونورو شمیر محدود کړي شوچه چغندر یې فابریکې ته را رسول، ور پسې بدجوي شرایط راغلل او فابریکې ته یې دچغندرو دراوړلو امکان کمزوري کړ. بزگران وایي چه‌په روان کال کې فابریکې‌نسبت پخوا کلونوته دوه میاشتی وروسته دچغندرتخم په‌موږ وویشو.

موږ له‌پرچم څخه هیله کوو چه دغه مهم ټکې ته‌دهیواد دصلاحیت لرونکو مقاماتو توجه په جدی توگه راواگرزوي چه‌دقندشرکت‌مجبوركاندي چه دخپلو اشتباهاتو او ناوړه‌پروگرام ترخه نتایج پخپله‌وزغمي‌او بزگرانو ته‌دهغه چغندر و بیه‌ورکړي چه‌هغوی ترقرار دادونو اوغیرقانوني فشارونو لاندي پر بزگرانو کرلي دي‌او فابریکې ته‌یي دارسولو مسؤولیت درنود. باید دقند جوړولو شرکت هغه تاوان هم وزغمي چه دغنمو دنه کرل کیدو په وجه دبغلان او غوري بزگرانو ته ورسیدلی دي.

که‌چیري مسؤول مقامونه دچغندر دبزگرانو حقوق حمایه نکړي بزگران به هیڅکله بیا هغوقیودو ته غاړه‌کی نږدی چه‌دکرهنی دوزارت او قند جوړولو دشرکت‌له‌خوا دچغندردکرلو په موردکی پر بزگرانوتحمیل کیږي. په درناوی.

(و.د.پتنگ)

وضع تأسف‌آور ورزش

و ورزشکاران در کشورما

ورزش و تربیت بدنی یکی‌ازعوامل مهم تندرستی و سلامتی‌انسانها ست و فعالیتهای بدنی، استعداد و کار خلاقه را در انسانهارشد وپرورش میدهد و آنها رابرای کار فعالانه آماده میسازد. درکشورعقب نگهداشته شدهٔ ما، در قطار همه مسایل و شئون دیگرحیات اجتماعی وضع ورزش وورزشکاران بطور اسفناکی بحرانی ودرهم است، بحدی که از ورزش بمعنی‌واقعی‌آن، حتی‌نشانی‌هم نمیتوان دید، ورزشکاران جوان و سرشار از استعداد های خلاقهٔ کشور ما در بدترین شرایط به‌تمرین می‌پردازند. ایشان فاقد حداقل و سایل وامکانات برای رشد استعداد های خود استند. جای مناسبی جهت انجام تمرینات سپورتی برای ایشان میسر نیست، بدین لحاظ غالباً در اتاقهای نمناک و غیر صحی تمرین مینمایند و برای تأمین انرژی مصرف شدهٔ خود امکانات دردست ندارند. درحالیکه تعدادی ازجوانان پر استعداد ما، در کنار جاده ها ودر کوچه های پر از گرد و خاک خود را سرگرم میسازند. اکثریت بزرگ جوانان بنابر فقدان وسایل وامکانات از هرگونه تمرینات ورزشی محروم استند.

در کشور ما از میدانهای ورزشی و کلب های سپورتی بمعنی واقعی ووسیع آن اصلاخبری نیست. درکابل که‌به‌اصطلاح گلسرسبد شهر های کشور است، جزء دو سه میدان ورزشی ناقص که درآنها فقط مردان میتوانند به تمرین بپردازند ورزشگاه دیگری وجود ندارد، چه رسد به ولایات کشور که مردم‌آن جائی را بنام ورزشگاه نمی شناسند وچه بسا استعداد هائی‌که پرورده ناشده خاک میشوند.

متأسفانه حتی ورزشکاران حرفوی ما نیز مجبورند که برای تأمین معیشت خویش، به هرگونه کارهای مشکل دیگر به پردازند، بدینلحاظ صحت ایشان همیشه در مخاطره است.

بااین اوضاع واحوال تعجبی ندارد که تا کنون در هیچ مسابقهٔ جهانی مؤفقیت قابل تذکری نصیب ورزشکاران کشور ما نشده است. ولی آیا دلیل آن عدم‌استعداد جوانان ماست؟ نه، هرگز! بلکه نتیجهٔ وضع اقتصادی و اجتماعی موجود و عدم توجه مقامات‌حاکمهٔ کشور، بنابر ماهیت ارتجاعی‌آنها می باشد. درحالیکه زندگی‌معاصر و حیات مدنی ایجاب مینماید که بمنظور تربیت جسمی در کلیه مدارس ومؤسسات و خارج از آنها سالونها ومیدانهای ورزشی احداث گردد، شبکه ورزشگاه های مخصوص کودکان در شهرها و روستاها و شبکه آموزشگاهای ورزشی وارد وگاه‌های توریستی ومراکز سکی ومراکز شناء، حوضهای آببازی و سایر مؤسسات ورزشی توسعه یابد. ولی باید درنظر داشت تا وقتیکه تغییری بنیادی در جامعهٔ ما رخ‌ندهد هیچگونه پیشرفت و بهبود قابل ملاحظه ئی، در هیچ یک از شئون اجتماعی واز آنجمله ورزش بوجود نخواهد آمد. معهذا در شرایطفعلی نیز لازم‌است که برای تامین حداقل شرایط مساعد در زمینه ورزش‌ووضع زندگی ورزشکاران کشور مبارزه صورت گیرد و اتحادیه‌ها وکلب‌های سپورتی ورزشکاران ایجاد گردد.

حشمت کیهانی

دردها، شکایتها واعتراضات خلق

کارگران پیله‌وری را ازکار اخراج میکنند

عده یی ازکارگران پیله وری‌وزارت زراعت‌وآبیاری‌ضمن اعتراض‌نامه‌یی نوشته اند: «پروژهٔ پیله‌وری که‌حاصل رنج‌وزحمتکشی ماکارگران است‌وآنرا درشرائط دشوارگرسنگی‌وبرهنگی، مزدکم، قبول فشار های ظالمانهٔ کارفرمایان وتحمل درشتی‌ومحرومیت ها تکمیل کرده ایم، اکنون مارا یکی‌بعدازدیگری میرانند. بااین معنی که‌اکنون یعنی هنگامیکه‌کار ساختمانی پروژه باکمال رسیده‌است کارفرمایان مارا دسته دسته ازکار اخراج میکنند وبسوی لشکربیکاران میرانند. آنان‌هرگز احساس مسوولیت نمیکنندکه سرنوشت‌ماوفرزندان ماچه خواهد شد؟آیندهٔ سیاه، مارا بکجا خواهد کشید؟وبالاخره انجام این عدالت (!) طبقهٔ‌حاکمه ستمگر چه خواهد بود؟مادست بمبارزه خواهیم زد ونومیدی راکه برما میخواهند تحمیل کنندبرآنان تحمیل خواهد شد.»

مردم گلدرهٔ کوهدامن ازعدم موجودیت وسائل معارف وحمل ونقل شکایت دارند

روشن است که‌محافل حاکمهٔ افغانستان بغرض فریب واغوای مردم دست به‌تبلیغات دامنه داری میزنند، ولی درعمل‌هماناطوریکه‌بهمهٔ هموطنان معلوم است، اقدامی که نشاندهندهٔ صدق آنان باشد، ملاحظه نشده است. قانون اساسی کشور حکومتهارا موظف می‌سازدکه معارف متوازن‌را برای‌مردم‌افغانستان تأمین نماید، اما متاسفانه مانند گذشته وبدتر ازامور دیگر است.

گلدره که‌متشکل است ازده نو، ده‌بالا، کدوله، بیدك، ده میانه، ده‌عربها، قلعهٔ هزاره ها، جلوانی و باغهای گلدره باتراکم عظیم نفوس صرف یک‌مکتب ابتدائیه دارد که آنهم فاقد وسائل ولوازم ضروری میباشد. شاگردان این مکتب روی خاکها درس میگیرند وبا وصف مشکلات وشرائط بداقتصادی، بعداز طی راههای طولانی بمکتب میرسند.

هنگام بهار عدهٔ کثیری ازین شاگردان مجبورند ازرودیکه طغیان کرده است، بگذرند وحیات خودرا درخطر اندازند.

مامورین وزحمتکشان گلدره که درکابل محل بود وباش ندارند، مجبورند هرروز ازمحل کار بمحل بود وباش خود برگردند. آنان مجبورند هرروزه ساعت پنج صبح‌از خانه بیرون شوند ودر بس‌ها ی محلی که باصطلاح جنازهٔ روان است جای پیدا کنند تاایشانرا بشهر برسانند. سرك گلدره نیز خطر دیگریست که جان این زحمتکشانرا تهدید مینماید.

مردم گلدره میگویند:«این چگونه معارف متوازن است که‌جگر گوشه های طبقات حاکمهٔ ستمگر حتی از تعلیم درتمام پوهنتونهای جهان برخور دارند درحالیکه فرزندان ما ازتحصیلات ابتدائی بصورت درست بهره ندارند.»

مردم گلدره فریاد میکشند: «در حالیکه‌ستمگران ومختلسین ازمدارك پروژه های دولتی قصرهابنانمودند، زمین‌ها خریدند ودربانك ها پول اندوختند چرا برای زحمتکشان،آنهم ازمحصول عرق خودشان یک سرک راترمیم نمیکنند؟» مردم‌در موارد فوق بروزارت معارف، وزارت صحیه و ترافیک جداً اعتراض میکنند.

(اسمعیل.م.م. ازگلدره)

به مشکلات مردم ولسوالی حضرت امام توجه نمیشود

دوسال قبل وزارت زراعت‌وآبیاری دراثر شکایات ممتد اهالی ولسوالی حضرت امام سرانجام حاضر گردید که اعمار یک سربند کانکریتی را برای نهر بزرگ شاروان تجویز نماید، اما چگونه؟ مصرف آن بیست و یک ملیون افغانی برآورد و عمدتاً بالای دهقانان کم بضاعت و تهیدست ولسوالی حواله گردید. باوصف آن از زمانی‌که برای تکمیل این‌سربندتعیین شده‌بود، مدتهاگذشت ولی آب درمجاری تشنه‌لب وزمینهای عطشان که درینمدت همچنان بایر باقی مانده است، جاری نگشت. مردم همچنان منتظرند وعده‌ئی از مأموران آنوزارت درصدد اندوختن ثروتهای بیشتر.

به ادامهٔ ظلم وفشار های قبلی، اخیراً حکومت محلی بجلب واحضار مردم بیچارهٔ ولسوالی امام صاحب اقدام نموده، تا ایشان رسماً «التزام خط» بدهند که بعد ازین‌برنج نکارند، به این دلیل‌که کشت زارهای برنج باعث پیدایش ملاریا میگردد. جای تعجب است اگر دریکی‌ازمناطق حاره و معتدله که برای زرع برنج مساعد است، نسبت امحای ملاریا، نکشتن برنج را بهانه قرار داده باشند.

موضوع دیگریکه باعث ناآرامی اهالی این منطقه میگردد پرابلم‌طغیان دریای آموست. دربهار امسال‌دراثر طغیان دریای خروشان آمو چندین هزار جریب زمین عدهٔ زیادی‌از دهقانان‌کم زمین از بین‌رفت، خانه ها ویران گردید ودربدری مردم بیشتر از پیش شد. باوصف شکایات ومراجعات متعدد مردم برای‌جلوگیری ازخسارات دراثر آب خیزی دریا، بازدید هیأت اعزامی سره میاشت و«هدایت» بناغلی اعتمادی صدراعظم حین بازدید ازین منطقه، تاکنون درزمینه هیچگونه اقدام عملی جهت رفع این مشکل بعمل نیامده است، درحالیکه بنابه برف باری های‌پیهم وزیاد ممکن است در بهار آینده آب خیزی چند مرتبه بیشتر ازسال گذشته باشد.

یکی دیگر از هزاران مشکل اهالی حضرت امام، مانند نقاط دیگرکشور، مسأله معارف وعدم موجودیت حتی یک لیسه درین ولسوالی هشتادهزار نفری میباشد. باوجود اینکه مردم برای ساختمان عمارت لیسه پول‌جمع نموده ویکمقدار خشت پخته ومصالح دیگر آنرا تکمیل‌کرده اند، ولی‌تاکنون اقدامی دراینمورد نیز صورت نگرفته است که بااین عمل خود مقامات حکومتی، مردم را ازهمکاری های بعدی دلسرد ساخته اند.

دردها، بدبختی ها، شکایتها ونارضائیتیهای مردم از وضع موجود زیاد است، دربالا صرف از چند مشکل محلی یاد آوری‌گردید وبجریدهٔ پرچم که‌واقعاًناشر آرمانها وخواستهای خلق افغانستان است فرستاده شد تا اگر لازم به بینند به نشر آن خواهند پرداخت.

«ع، کاروال»

نسوارفروشان بر مصونیت وآبروی مردم تعرض میکنند

بناغلی عبدالحکیم طغرل از ولسوالی سرپل ضمن نامهٔ رقت انگیزی که‌حاکی ازدردهای بیکران مردم است می نویسند!

«درینجا یعنی درشهر ودهات ولسوالی سرپل، نه تنها ماموران و اربابان، وگماشتگان آنان بلای جان مردمند، بلکه مشتی ازمنفعت جویان، اجاره داران وتیکه داران نیز بنوبهٔ خود، درزیر حمایت چتر سیاه بیداد وستمگری دستگاه‌حاکم، برجان مردم افتاده‌اند وچون زالویی خون آنانرا می‌مکند وبااستفاده ازشیوهٔ منفور (فشار واستبداد) مصونیت‌وشرافت مردم‌را پامال میکنند. ازجملهٔ این طفیلیان اجاره داران نسوارند، که گاهی باقیافه‌های عبوس وخشمگین چون بلای آسمانی بردهکده های‌دور دست فرو میریزند وموجب اذیت وآزار اهالی میگردند وحتی در خود شهر نیز کسانی را که مورد سوء ظن(!) شان قرارگیرند، به اتهام (!) اینکه چرا نسوار خانگی میکشند، تحت فشار قرار داده در بین جاده های شهر بیشرمانه، اینطرف وآنطرف‌میکشانند وآنان را تهدید مینمایند که درصورت عدم پرداخت جریمه (!) بمقام عدل (!) سپرده خواهند شد ودرنتیجه آنها را مجبور می‌سازند تازهر ماری در کام این حریفان بیفگنند وخودرا از شر شان نجات بخشند.

چندی قبل‌عده‌یی‌ازین اجاره داران که‌حق دارندآزادانه تمام روستاهارا مورد تفتیش قرار دهند، به قریهٔ (قغلتون) این ولسوالی رفته بکمك چند پولیس اهالی این دهکده را به اتهام اینکه نسوار خانگی می‌سازند وآنرا بفروش میرسانند تحت تهدید

(ص ٤)

یوه شیبه له شاعرانو سره

زموږ دگران وطن افغانستان شاعران، موږ ته‌پر له‌پسې‌خپل شعرونه رالیږي، هغوی‌دخپلوشعرونه‌خپریدل اوکله کله پرهغوی باندی انتقادی نظر او مشوره هم غواړي. موږ دځینو مشکلاتو له کبله په‌روان کال کې ونشوای کولی چه‌ددی زلمیو اووطنپالو شاعرانو حق اداکړو. خواوس ددی وخت راغلی دی چه‌موږ ددی دوستو شاعرانو دفکر او شعر ځینی مرغلری او ځلانده مزی دخپل پرچم په مخونو کې وښیو اودا موقع برابره کړو چه دهیواد زلمی لیکوال‌زموږ‌په جریده کې دیو بل سره آشنا شي. هیله لرو چه زلمی‌شاعران او لیکوال به‌ددی برخی د دوام لپاره تل موږ ته خپل گران‌او قیمتي آثار راو استوي.

ښاغلی (...) د «گوره» تر سرخط لاندی یو ښکلی شعر را استولی دی، دلته ددغه شعر څو بیتونه وړاندی کیږي:

«زموږ دلافو زما مدارانو دا ظلمونه‌گوره!
دهر آمر صاحب بی‌غایه دا امرونه گوره!
چه‌خپل حقوق غواړم رټنی می چه‌تاجرم کړی.
حکم صادردبندی توب کړي‌ستمونه‌گوره!
په څه قانون‌شومه بندی‌صاحبه‌تا تهوایم
دی راته وایی:چه‌خپل حق‌غواړی‌سیلو نه گوره
صاحبه خو پوری ظلمونه دفرنگ چلوی؟
داد مظلوم‌په‌وینوجوړ سره‌تعمیرنه‌گوره»

* * *

ښاغلی همایون میخانیك شعرخودرا بعد از مطلع چنین ادامه میدهد:

«مزد رنج رنجبر را می خورد سرمایدار
مالك جانست دهقانرا زمیندار غدار
این گروه تن پرست مفتخوار و نابکار
نعش ما دا ست در چنگال‌تیز لاشخوار
میزند ادبار موج از هر درو دیوار ما
ازوکالت بازی‌وشوری حل‌مشکل نشد
نشه دیرینه غارتگران باطل نشد
مردم آواره ما صاحب منزل نشد
انتخاب شاروالی بر مراد دل نشد
نیست اهل کرسی عالی دگر غمخوار ما»

* * *

دکتر نه ښاغلی (ف.ق) لاندینی شعر را استولی دی!

«ما خو لیدلی دی طاقت دخلکو — تاریخ شاهد دی بیهید لی نشی
مانی دظلم په لپ زه راولی — دخلکو زور نه‌تپنگیدلی نشی
په اتفاق او اتحاد کی زموږ — رخنه په زور واردید لای نشی
تاسی یی گوری‌څه چمونه‌کوی — موږ پیژندلی ،خان ښودلی‌نشی
داستعمار او ارتجاع هتکړی — زموږ لاسو کی شر نگیدلی‌نشی
زیاتی دی خلکو ته په‌سپکه‌کتل — ځان غولول دی ښادیدلای‌نشی
داستثمار مانی خو موږ ورانو و — وخت ورته‌ښته‌دی‌خلاصیدلی‌نشی
چه‌یو‌ځل‌پورته شی‌پرچم‌دخلکو — په‌استبداد ښکته کیدلی نشی.»

* * *

ښاغلی محمد شاه (واعظ) در غزل دری خویش میگوید :

«گر بمن فرصت تفتیش میسرمی شد
کار خائن همگی تیره و ابترمی شد
همه افراد اگر صادق ودانا بودی
سرفرازی وطن زینت کشور می‌شد
بهر آبادی این کوه وکمر چون واعظ
گرفدا سازمی خویش چه بهترمی شد»